بهانهٔ جنایت وحشیانهٔ صبرا و شتیلا، انفجاری بود که هیچ‌وقت عاملش معلوم نشد. سه ماه پیش از آن، اسرائیل به‌بهانهٔ از بین بردن چریک‌های سازمان آزادی‌بخش فلسطین، با سوءاستفاده از جنگ داخلی لبنان که خودش به‌راه‌انداخته بود، جنوب لبنان را اشغال و لبنانی‌ها را به قبول طرح صلح شارون مجبور کرد. آن روز در لبنان، فالانژهای حزب کَتائب ـ یکی از فرقه‌های مسیحی تندرو در لبنان ـ دست‌نشانده و بازیچهٔ اسرائیل بودند و رسماً از صهیونیست‌ها حمایت و فرمانبری می‌کردند. شارون، «بشیر جمیل» رئیس فالانژها را رئیس‌جمهور کرد. اما سه هفته بعد، در انفجاری، بشیر جمیل و تعدادی از سران حزب کَتائب کشته شدند. انفجاری که هیچ‌وقت عاملش معلوم نشد، اما بهانهٔ خوبی بود برای تصفیه حساب با آوارگان فلسطینی؛ کشتار صبرا و شتیلا با این بهانه واقع شد. در ابتدای یورش، شارون با کلت کمری خودش، دو کودک فلسطینی را از فاصله ده متری شهید کرد تا مزدوران فالانژ، با خیال راحت قتل‌عام را شروع کنند. و این اتفاق زمانی رخ داد که حتی یک چریک و مبارز فلسطینی در اردوگاه نبود و شارون این را خوب می‌دانست. آنها به سخن رهبران خود عمل می‌کردند؛ «مناخیم بگین» نخست‌وزیرِ وقت اسرائیل که خودش سال‌ها قبل، فرماندهٔ کشتار هولناک روستای «دیر یاسین» بود و تمام ساکنان آن را به‌شکل فجیعی قتل‌عام کرده بود، گفته بود: «در موقع کشتن دشمن، نباید دلسوزی کنید! روی خرابه‌های شهر و روستاهای آنان، مدنیت را بنا خواهیم کرد. تا محو و نابودی فرهنگ عرب، نسبت به آنان کوچک‌ترین احساسی نشان نخواهم داد، تاکنون باید درک کرده باشیم که در این دیار، برای دو نفر جا نیست، تنها راه حل، پاک‌سازی فلسطین از اعراب است. حتی یک عرب یا یک گروه عرب هم نباید باقی بماند.» شورای امنیت هم طبق معمول نتوانست کاری بکند. مجمع عمومی این فاجعه را محکوم کرد و به آن نسل‌کشی گفت؛ گرچه به این قطعنامه هم آمریکا و دوستانش رأی منفی یا ممتنع دادند!

در میان سران غربی از هیچ‌کس صدایی در نیامد، به‌جز صدراعظم اتریش که گفت: «تنها یک رژیم فاشیستی می‌تواند با اهالی سرزمین‌های اشغالی، مانند اسرائیل رفتار کند.» ظرف چند روز، آژانس یهودیان در آمریکا، از لابه‌لای اسناد خاک‌خوردهٔ جنگ جهانی دوم، به‌طورِ اتفاقی این نکته را بیرون کشیدند که این صدراعظم هم در هولوکاست نقش داشته است! ترور رسانه‌ای او آغاز شد تا درس عبرتی شود برای اهل سیاست.

[ادامه سخنرانی آیت الله خامنه‌ای در اجلاس هراره:] با توجه به سفر اخیر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به مراکش، مایلم در اینجا، به‌ویژه به برادران آفریقایی هشدار دهم که سیاست بسط نفوذ صهیونیست در آفریقا، دنبالهٔ طبیعی سیاست‌های رژیم نژادپرست است و مآلاً جز به ضرر عظیم کشورهایی که با صهیونیست رابطه برقرار کرده‌اند، نخواهد انجامید.

همکاری‌های این دو رژیم، در زمینه‌های هسته‌ای، بزرگ‌ترین هشدار نسبت به خطری است که آفریقا و خاورمیانه را بالسویه تهدید می‌کند. همانند مسئلهٔ رژیم نژادپرست، مشکل صهیونیست، جهانی است و ناچار، مبارزه با هر دو باید از ابعاد بین‌المللی برخوردار باشد. سیاست غیرمتعهدها در مورد هر دو رژیم، باید از یک برنامهٔ واحد و مشترک تبعیت کند و به‌صورت لازم‌الاجرا مورد تصویب اجلاس قرار گیرد.

همین چند ماه پیش بود که «شاه حسن» پادشاه مراکش، به‌بهانهٔ اجلاسی از «شیمون پرز» نخست‌وزیر صهیونیست‌ها دعوت کرد تا به مراکش بیاید و او هم با سر، آمد. دست دادن با هر یک از سران عرب، پیروزی جدیدی برای رژیم اسرائیل بود و ضربهٔ محکمی به ماهیت فلسطین. شاه حسن بعد از انورسادات معدوم، نفر دومی بود که با صهیونیست‌ها دست داد. گرچه برخی دیگر هم، نه به این وضوح، اما در پس پرده، دوستی را با دشمنان امت اسلامی شروع کرده‌اند، مثل حسین اردنی و شیخ‌نشین‌ها.

طنز ماجرا آنجاست که مراکش و مصر، هر دو، بدون خجالت، در جنبش عدم‌تعهد هم عضو شده‌اند و داعیهٔ عدم وابستگی دارند!

فلسطین از صدر اسلام مسلمان شد؛ و حتی زبانشان به عربی تغییر کرد. و در دست مسلمان‌ها بود، به‌جز چند ده سالی که در جنگ‌های صلیبی بین مسلمانان و مسیحیان دست‌به‌دست شد. و جالب آنکه، وجه مشترک دو طرف این جنگ‌ها، دشمنی با یهودیان افراطی بوده! سال ۱۸۸۱ میلادی تعداد زیادی از یهودیان خارجی می‌خواستند در کشور عثمانی زندگی کنند. سلطانِ عثمانی به آنها اجازه داد که هر کجا می‌خواهند، به‌جز در فلسطین، زندگی کنند. و یازده سال بعد، سال ۱۸۹۲ میلادی، دستوری صادر شد که فروختن زمین به یهودیان را ممنوع کرد.

«تئودور هرتزل» یک روزنامه‌نگار یهودی اتریشی بود. خدا را قبول نداشت و مخالف شدید شناخت یهود، به‌عنوان دین بود. او هیچ اعتقادی به این مکتب نداشت و یهود را دین نمی‌دانست، بلکه یهود را یک قوم و نژاد می‌دانست. هرتزل کوچک‌تر از آن بود که او را مؤسس و ایده‌پرداز اسرائیل بدانیم؛ این پدیدهٔ شوم، ریشه در تاریخ سیاه بنی‌اسرائیل دارد که خداوند بیشترین پیامبران را برای هدایت آنها فرستاد و بیشترین نافرمانی‌ها هم از آنها بود. هرتزل هم در دوره‌ای وارد نقشهٔ شیطانی یهودیان صهیونیست شد و نقشش را ایفا کرد. او بچه‌دار نمی‌شد و می‌خواست از خود یادگاری بگذارد تا ماندگار شود. کتابی نوشت به نام «دولت یهود» و ایدهٔ تشکیل کشوری مستقل برای یهودی‌ها و مهاجرت تمام آنها از دنیا به این کشور را مطرح کرد.

اولین و بهترین گزینه، فلسطین بود که حس تاریخیِ مبهمی در حافظهٔ یهودی‌ها داشت. هرتزل برای رسیدن به یک راهکارِ عملی، برای تصاحب یک سرزمین، به مشورت نیاز داشت؛ دنبال مردی می‌گشت که در این کار صاحب تجربه باشد. به سراغ «سیسیل رودس» رفت، قهرمان استعمار انگلیس. کسی که چندین کشور آفریقایی را با سیاست و زور از چنگ مردمش درآورده بود. برای ماندن اسمش، نام خود را هم بر یکی از این مستعمره‌ها گذاشته بود تا «زیمبابوه» را «رودزیا» بخوانند. «رودزیا»؛ کشور «رودس».

هرتزل با تلاش زیاد، نشانی رودس را پیدا کرد و در نامهٔ خود به او نوشت «آقای رودزیا! شما از خودتان می‌پرسید چرا به شما مراجعه می‌کنم، باید بگویم به این علت که برنامهٔ من نیز یک برنامه استعماری است.» خلاصهٔ راهکار رودس در چند کلمه این بود: خرید زمین‌های بزرگ و سپس تصرف کشور با نیروی نظامی.

قدم بعدی هرتزل، جمع کردن یهودی‌ها، برای احیای ملت واحد یهود از نظر سیاسی بود. او سال ۱۸۹۷ میلادی از همهٔ تاجران پولدار، روزنامه‌نگاران، سیاست‌مداران، صاحب‌منصبان، و بانفوذهای یهودی دعوت کرد تا به شهر بال سوئیس بیایند. آنجا سازمان صهیونیسم جهانی تأسیس شد. همهٔ اعضای شرکت‌کننده قرار گذاشتند که تمام تلاش خود را برای تأسیس کشوری یهودی انجام دهند. بعد از این اجلاس، شعار «سال آینده در اورشلیم» برای مدت‌ها ورد زبان یهودیان اروپا بود.

قدم اول برای تصاحب فلسطین را هرتزل، پیش از اجلاس «بال» برداشته بود. او به ملاقات «سلطان عبدالحمید دوم» رفت و پیشنهاد داد که حکومت عثمانی، در قبال دریافت بیست میلیون لیرهٔ عثمانی، اجازهٔ تشکیل حکومت خودمختار یهودی در فلسطین و مهاجرت یهودیان به این سرزمین را بدهد؛ که سلطان بسیار تند با او مخالفت کرد.

بعد از اجلاس بال، در سال ۱۹۰۱ میلادی، بار دیگر هرتزل به سراغ سلطان عبدالحمید رفت تا با پیشنهاد پنج میلیون لیرهٔ طلا، به‌علاوهٔ شش پیشنهاد تحریک‌کنندهٔ دیگر، فلسطین را از عثمانی جدا کند. اما سلطان دستور داد او را با خفت از کاخ بیرون کنند، و این آخرین تلاش هرتزل، قبل از مرگش بود.

هرتزل اولین نفری نبود که می‌خواست فلسطین را برای صهیونیست‌ها تصاحب کند. انگلیسی‌ها که برای خرید سهام کانال سوئز پول نیاز داشتند، دست به دامن یهودیان شدند؛ یهودیانی که در تمام اعصار به دادن ربا مشهور هستند. اما این‌بار «بارون روچیلد» ثروتمند یهودی مشهور، به‌جز نزول پولش، سود دیگری هم می‌خواست. او از «بنیامین دیزرائیلی» نخست‌وزیر انگلیس، قول گرفت که در ازای دادن وام، سرزمین بالای کانال سوئز، یعنی فلسطین را به او واگذار کنند!

با وجود دولت عثمانی، رسیدن به فلسطین ممکن نبود. شاید عوامل متفاوتی در شروع جنگ جهانی اول مؤثر بوده‌اند، اما بی‌شک یکی از عوامل شروع و مخصوصاً گرم کردن آتش جنگ جهانی اول، صهیونیست‌ها بودند. روچیلدها، دلالان اسلحه، جاسوس‌ها، بانک‌ها و واسطه‌ها، از جملهٔ اجزای شبکهٔ جهانی یهود برای برافروختن آتش این جنگ بودند. جنگی با ده میلیون کشته که باعث فروپاشی حکومت عثمانی و به‌غنیمت رسیدن فلسطین برای انگلیسی‌ها شد؛ انگلیسی‌ها هم که قول داده بودند این غنیمت را به صهیونیست‌ها بدهند، به قول خود عمل کردند.

در سال ۱۹۴۰.م، سازمان ایرگون با نیروهای انگلیسی، در زمینه جاسوسی دست به همکاری زد. به همین دلیل، گروه اِشترن از ایرگون منشعب شد. در سال ۱۹۴۳.م، مناخیم بگین رهبری ایرگون را به عهده گرفت، و سازمان، فعالیت‌های تروریستی خود را بر ضد اعراب گسترش داد. مهم‌ترین فعالیت‌های آن، انفجار هتل شاه داوود در بیت‌المقدس به تاریخ ۲۲ جولای ۱۹۴۶.م؛ و حمله وحشیانه به روستای عرب‌نشین دیریاسین و کشتار ساکنان آن، در تاریخ ۹ آوریل ۱۹۴۸ بود.

روابط این سازمان با هاگانا و آژانس یهود در نوسان بود، و به مقتضای اوضاع سیاسی، گاهی تیره می‌شد و گاهی به همدستی و اتحاد می‌گرایید. از آغاز سال ۱۹۴۴.م، و در پی نقشه صهیونیست‌ها برای زیر فشار قرار دادن انگلیس، و پایان دادن به قیمومیت، و فرصت دادن به صهیونیست‌ها برای تشکیل دولت خود؛ روابط این سازمان با مقامات قیمومیت نیز به خشونت و سردی گرایید.

در سپتامبر ۱۹۴۸.م، پس از اعلام موجودیت دولت اسرائیل، و در پی قتل کنت برنادوت، میانجی سازمان ملل متحد، سازمان ایرگون منحل، و در ارتش اسرائیل ادغام شد.

در آن زمان بن‌گوریون نخست‌وزیر و وزیر دفاع بود. واحدهای هاگانا مراکز ایرگون در مناطق ناتانیا و تل‌آویو را به محاصره درآوردند. افراد آن‌ها را خلع سلاح کردند، و به آن‌ها دستور دادند که به واحدهای ارتش ملحق شوند.

پس از آن، بگین حزب حیروت را تشکیل داد، که از همان ایدئولوژی نژادپرستی و تروریستی ایرگون پیروی می‌کرد. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در نوامبر ۱۹۶۸.م، از رهبران ایرگون به دلیل نقشی که در رهبری جریان تشکیل اسرائیل داشتند، تجلیل به عمل آورد.

عمده‌ترین منبع برای شناخت و بررسی این سازمان تروریستی افراطی، کتاب رهبر آن مناخیم بگین تحت عنوان انقلاب: داستان ایرگون است. ژابوتنسکی نیز که پدر فکری این سازمان به شمار می‌آمد، کتابی به نام دسته‌های یهودی نوشته است. او در آن کتاب، یهودیان را به عنوان اروپایی‌هایی تصویر کرده است که هیچ رابطه‌ای با عرب‌ها ندارند، و وظیفه دارند برای وسیع‌تر کردن محدوده‌ی اروپا، فلسطین را تا رود فرات، با زور اشغال کنند.

بگین درباره فعالیت تروریستی ایرگون علیه فلسطینی‌ها می‌گوید:

«ما در مراحل اولیه انقلاب، یکی از هدف‌های استراتژیک مهم خود را با موفقیت به دست آوردیم؛ و آن از کار انداختن عامل محلی عربی بود. در سال‌های ۱۹۳۶، ۱۹۳۳، ۱۹۲۹، ۱۹۲۱، ۱۹۲۰ و ۱۹۳۹.م، که حمله‌های عرب‌ها (خیزش) بر ضد یهودیان صورت می‌گرفت، انگلیسی‌ها وجود خود را برای حمایت از یهودیان توجیه می‌کردند.»

این مسأله در حالی بیان شد، که استراتژی تروریستی صهیونیست‌ها ایجاب می‌کرد به عرب‌ها حمله کنند. بگین همچنین می‌گوید:

«در یکی از جلسات سران ایرگون در اواخر ژانویه ۱۹۴۸.م، که بخش طرح و عملیات نیز در آن شرکت داشت، چهار هدف استراتژیک بیت‌المقدس، یافا، اللّد- رمله، و مثلث مشخص شد. بیشتر این هدف‌ها، داخل آن محدوده‌ای نبود که قطعنامه تقسیم (فلسطین) به یهودیان واگذار کرد.»

وی در ادامه می‌گوید:

«وقتی استراتژی حمله را تصویب می‌کردیم، اسلحه کافی نداشتیم. و از آن جا که حمله‌های نخستین بر یافا نشان داده بود که اشغال این شهر مقاوم بسیار سخت است، ناگزیر بودیم اسلحه به دست آوریم.»

بدین ترتیب، تروریست‌های ایرگون نصب کردن کمین علیه فلسطینی‌ها؛ و عملیات نظامی تروریستی خود، به منظور دستیابی به اسلحه را شروع کردند.

سازمان بتار

سازمان بتار (Betar) یا سازمان تندرو جوانان صهیونیستی، یکی از مهم‌ترین بخش‌های تشکیلات تجدیدنظر طلبان صهیونیست، به رهبری ولادیمیر ژابوتنسکی بود.

این سازمان در سال ۱۹۲۳.م، به منظور آماده‌سازی جوانان یهودی لهستان برای زندگی در فلسطین، و آموزش آن‌ها در زمینه‌های کشاورزی و نظامی؛ و نیز آموزش زبان عبری به آن‌ها، و ترویج ایدئولوژی فاشیستی، با شعار جنگ یا مرگ در لهستان تشکیل شد.

عده‌ای از جوانانی که به تبعیت از محافظان هیتلر پیراهن قهوه‌ای به تن می‌کردند، تحت این نام فعالیت نظامی داشتند. این گروه از جوانان، برای رسیدن به اهداف ایدئولوژیک خود، فعالیت نظامی را بر سایر اقدامات ترجیح می‌دادند، و ژابوتنسکی را پیشوای فکری و مذهبی خود می‌دانستند.

نام سازمان بتار، مخفف نام یک افسر یهودی ارتش تزار روسیه، به نام بریت یوسف ترومپلدور (Brit Yosef Trumpeldor) است. وی در هنگام وقوع درگیری در یکی از اردوگاه‌های مهاجران یهودی در منطقه جلیله سفلی به دست فلسطینی‌ها کشته شد.

این سازمان اولین کنفرانس خود را در ژانویه ۱۹۲۹.م در شهر ورشو برگزار کرد، و در طی آن مقرر شد که تشکیلات این سازمان، کلاً جنبه نظامی به خود بگیرد.

*** در میان سران غربی از هیچ‌کس صدایی در نیامد، به‌جز صدراعظم اتریش که گفت: «تنها یک رژیم فاشیستی می‌تواند با اهالی سرزمین‌های اشغالی، مانند اسرائیل رفتار کند.»**

*** در سال ۱۹۴۰.م، سازمان ایرگون با نیروهای انگلیسی، در زمینه جاسوسی دست به همکاری زد. به همین دلیل، گروه اِشترن از ایرگون منشعب شد. در سال ۱۹۴۳.م، مناخیم بگین رهبری ایرگون را به عهده گرفت، و سازمان، فعالیت‌های تروریستی خود را بر ضد اعراب گسترش داد.**

***

*** سازمان بتار یا سازمان تندرو جوانان صهیونیستی، یکی از مهم‌ترین بخش‌های تشکیلات تجدیدنظر طلبان صهیونیست، به رهبری ولادیمیر ژابوتنسکی بود. این سازمان در سال ۱۹۲۳.م، به منظور آماده‌سازی جوانان یهودی لهستان برای زندگی در فلسطین و آموزش زبان عبری به آن‌ها، و ترویج ایدئولوژی فاشیستی، با شعار جنگ یا مرگ در لهستان تشکیل شد.**

از هراره تا تهران - ۲۲

کشتار صبرا و شتیلا؛ زخمی ماندگار بر وجدان خوابیده سازمان ملل

***مناخیم بگین، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی: «در موقع کشتن دشمن، نباید دلسوزی کنید! روی خرابه‌های شهر و روستاهای آنان، مدنیت را بنا خواهیم کرد. تا محو و نابودی فرهنگ عرب، نسبت به آنان کوچک‌ترین احساسی نشان نخواهم داد.»**

در ابتدای یورش، شارون با کلت کمری خودش، دو کودک فلسطینی را از فاصله ده متری شهید کرد تا مزدوران فالانژ، با خیال راحت قتل‌عام را شروع کنند. و این اتفاق زمانی رخ داد که حتی یک چریک و مبارز فلسطینی در اردوگاه نبود و شارون این را خوب می‌دانست.

ردّ خون - ۹

ایرگون و بِتار؛ سازمان‌های تروریستی صهیونیست‌ها

*** در میان سران غربی از هیچ‌کس صدایی در نیامد، به‌جز صدراعظم اتریش که گفت: «تنها یک رژیم فاشیستی می‌تواند با اهالی سرزمین‌های اشغالی، مانند اسرائیل رفتار کند.»**

*** در سال ۱۹۴۰.م، سازمان ایرگون با نیروهای انگلیسی، در زمینه جاسوسی دست به همکاری زد. به همین دلیل، گروه اِشترن از ایرگون منشعب شد. در سال ۱۹۴۳.م، مناخیم بگین رهبری ایرگون را به عهده گرفت، و سازمان، فعالیت‌های تروریستی خود را بر ضد اعراب گسترش داد.**

***

*** سازمان بتار یا سازمان تندرو جوانان صهیونیستی، یکی از مهم‌ترین بخش‌های تشکیلات تجدیدنظر طلبان صهیونیست، به رهبری ولادیمیر ژابوتنسکی بود. این سازمان در سال ۱۹۲۳.م، به منظور آماده‌سازی جوانان یهودی لهستان برای زندگی در فلسطین و آموزش زبان عبری به آن‌ها، و ترویج ایدئولوژی فاشیستی، با شعار جنگ یا مرگ در لهستان تشکیل شد.**

در سال ۱۹۴۰.م، سازمان ایرگون با نیروهای انگلیسی، در زمینه جاسوسی دست به همکاری زد. به همین دلیل، گروه اِشترن از ایرگون منشعب شد. در سال ۱۹۴۳.م، مناخیم بگین رهبری ایرگون را به عهده گرفت، و سازمان، فعالیت‌های تروریستی خود را بر ضد اعراب گسترش داد. مهم‌ترین فعالیت‌های آن، انفجار هتل شاه داوود در بیت‌المقدس به تاریخ ۲۲ جولای ۱۹۴۶.م؛ و حمله وحشیانه به روستای عرب‌نشین دیریاسین و کشتار ساکنان آن، در تاریخ ۹ آوریل ۱۹۴۸ بود.

روابط این سازمان با هاگانا و آژانس یهود در نوسان بود، و به مقتضای اوضاع سیاسی، گاهی تیره می‌شد و گاهی به همدستی و اتحاد می‌گرایید. از آغاز سال ۱۹۴۴.م، و در پی نقشه صهیونیست‌ها برای زیر فشار قرار دادن انگلیس، و پایان دادن به قیمومیت، و فرصت دادن به صهیونیست‌ها برای تشکیل دولت خود؛ روابط این سازمان با مقامات قیمومیت نیز به خشونت و سردی گرایید.

در سپتامبر ۱۹۴۸.م، پس از اعلام موجودیت دولت اسرائیل، و در پی قتل کنت برنادوت، میانجی سازمان ملل متحد، سازمان ایرگون منحل، و در ارتش اسرائیل ادغام شد.

در آن زمان بن‌گوریون نخست‌وزیر و وزیر دفاع بود. واحدهای هاگانا مراکز ایرگون در مناطق ناتانیا و تل‌آویو را به محاصره درآوردند. افراد آن‌ها را خلع سلاح کردند، و به آن‌ها دستور دادند که به واحدهای ارتش ملحق شوند.

پس از آن، بگین حزب حیروت را تشکیل داد، که از همان ایدئولوژی نژادپرستی و تروریستی ایرگون پیروی می‌کرد. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در نوامبر ۱۹۶۸.م، از رهبران ایرگون به دلیل نقشی که در رهبری جریان تشکیل اسرائیل داشتند، تجلیل به عمل آورد.

عمده‌ترین منبع برای شناخت و بررسی این سازمان تروریستی افراطی، کتاب رهبر آن مناخیم بگین تحت عنوان انقلاب: داستان ایرگون است. ژابوتنسکی نیز که پدر فکری این سازمان به شمار می‌آمد، کتابی به نام دسته‌های یهودی نوشته است. او در آن کتاب، یهودیان را به عنوان اروپایی‌هایی تصویر کرده است که هیچ رابطه‌ای با عرب‌ها ندارند، و وظیفه دارند برای وسیع‌تر کردن محدوده‌ی اروپا، فلسطین را تا رود فرات، با زور اشغال کنند.

بگین درباره فعالیت تروریستی ایرگون علیه فلسطینی‌ها می‌گوید:

«ما در مراحل اولیه انقلاب، یکی از هدف‌های استراتژیک مهم خود را با موفقیت به دست آوردیم؛ و آن از کار انداختن عامل محلی عربی بود. در سال‌های ۱۹۳۶، ۱۹۳۳، ۱۹۲۹، ۱۹۲۱، ۱۹۲۰ و ۱۹۳۹.م، که حمله‌های عرب‌ها (خیزش) بر ضد یهودیان صورت می‌گرفت، انگلیسی‌ها وجود خود را برای حمایت از یهودیان توجیه می‌کردند.»

این مسأله در حالی بیان شد، که استراتژی تروریستی صهیونیست‌ها ایجاب می‌کرد به عرب‌ها حمله کنند. بگین همچنین می‌گوید:

«در یکی از جلسات سران ایرگون در اواخر ژانویه ۱۹۴۸.م، که بخش طرح و عملیات نیز در آن شرکت داشت، چهار هدف استراتژیک بیت‌المقدس، یافا، اللّد- رمله، و مثلث مشخص شد. بیشتر این هدف‌ها، داخل آن محدوده‌ای نبود که قطعنامه تقسیم (فلسطین) به یهودیان واگذار کرد.»

وی در ادامه می‌گوید:

«وقتی استراتژی حمله را تصویب می‌کردیم، اسلحه کافی نداشتیم. و از آن جا که حمله‌های نخستین بر یافا نشان داده بود که اشغال این شهر مقاوم بسیار سخت است، ناگزیر بودیم اسلحه به دست آوریم.»

بدین ترتیب، تروریست‌های ایرگون نصب کردن کمین علیه فلسطینی‌ها؛ و عملیات نظامی تروریستی خود، به منظور دستیابی به اسلحه را شروع کردند.

سازمان بتار

سازمان بتار (Betar) یا سازمان تندرو جوانان صهیونیستی، یکی از مهم‌ترین بخش‌های تشکیلات تجدیدنظر طلبان صهیونیست، به رهبری ولادیمیر ژابوتنسکی بود.

این سازمان در سال ۱۹۲۳.م، به منظور آماده‌سازی جوانان یهودی لهستان برای زندگی در فلسطین و آموزش زبان عبری به آن‌ها، و ترویج ایدئولوژی فاشیستی، با شعار جنگ یا مرگ در لهستان تشکیل شد.

عده‌ای از جوانانی که به تبعیت از محافظان هیتلر پیراهن قهوه‌ای به تن می‌کردند، تحت این نام فعالیت نظامی داشتند. این گروه از جوانان، برای رسیدن به اهداف ایدئولوژیک خود، فعالیت نظامی را بر سایر اقدامات ترجیح می‌دادند، و ژابوتنسکی را پیشوای فکری و مذهبی خود می‌دانستند.

نام سازمان بتار، مخفف نام یک افسر یهودی ارتش تزار روسیه، به نام بریت یوسف ترومپلدور (Brit Yosef Trumpeldor) است. وی در هنگام وقوع درگیری در یکی از اردوگاه‌های مهاجران یهودی در منطقه جلیله سفلی به دست فلسطینی‌ها کشته شد.

این سازمان اولین کنفرانس خود را در ژانویه ۱۹۲۹.م در شهر ورشو برگزار کرد، و در طی آن مقرر شد که تشکیلات این سازمان، کلاً جنبه نظامی به خود بگیرد.

صفحه پاورقی
روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود
تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

وزارت راه و شهرسازی
شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران

آگهی فراخوان پیمانکاران

شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران در نظر دارد پروژه تکمیل ترمینال بین‌المللی فرودگاه ایلام را بر اساس قانون برگزاری مناقصات و از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

۱- شرکت‌ها باید حداقل دارای گواهینامه صلاحیت (رتبه‌بندی) در پایه ۲ ابنیه و ۳ تاسیسات و تجهیزات از سازمان برنامه و بودجه باشند.

۲- شرح مختصری از موضوع مناقصه: پروژه ترمینال بین‌المللی ایلام شامل دیوارکشی اجرای نمای داخلی و خارجی سنگ کف، سقف کاذب، پارتیشن‌بندی و... بهمراه سیستم‌های کامل تاسیساتی برق و مکانیک شامل سرمایش و گرمایش و آبرسانی و فاضلاب و روشنایی مخابرات و شبکه و... (اسکلت‌فلزی به همراه فونداسیونهای مربوطه قبلا اجرا گردیده است.)

۳- برآورد اولیه ۱۴۸/۷۴۵/۶۷۴/۵۱۸ (یکصد و چهل و هشت میلیارد و هفتصد و چهل و پنج میلیون و ششصد هفتاد و چهار هزار و پانصد و هجده) ریال و با استفاده فهارس بهای پایه سال ۹۶ می‌باشد.

۴- مدت اجرای پروژه ۲۴ ماه و مدت تضمین ۲۴ ماه می‌باشد.

۵- میزان سپرده شرکت در مناقصه ۴/۲۹۵/۰۰۰/۰۰۰ (چهار میلیارد و دویست و نود و پنج میلیون) ریال می‌باشد که به صورت واریز نقدی یا ضمانتنامه معتبر بانکی مورد پذیرش خواهد بود.

۶- هزینه آگهی‌های فراخوان به عهده برنده مناقصه می‌باشد. ضمنا جهت اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی **http://iets.mporg.ir** مراجعه فرمایید.

۷- از شرکت‌های واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه حداکثر ظرف مدت یک هفته از تاریخ نشر آخرین آگهی فراخوان مناقصه به آدرس کوی نصر (گیشا) خیابان فاضل شمالی نبش خیابان فرحزادی، پلاک ۲، تلفن **۸۸۲۴۵۵۸۶** مهندسین مشاور پدیده طرح و فن تماس حاصل فرمایند.

لازم به توضیح است که شرکت‌ها می‌بایست پاکت ارزیابی کیفی و پاکات (الف-ب-ج) را در موعد مقرر شده در اسناد مناقصه تحویل مناقصه‌گزار دهند. در این شرایط ابتدا پاکت‌های ارزیابی کیفی مناقصه‌گران گشوده خواهد شد و پس از آن پاکت‌های پیشنهادی (الف-ب-ج) شرکت‌هایی که حداقل امتیاز ارزیابی کیفی (۷۰ امتیاز) را کسب نمایند با رعایت سایر شرایط و قوانین مناقصات عمومی دو مرحله‌ای باز می‌گردد.

شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران
معاونت عملیات فرودگاهی
اداره کل عمران و توسعه فرودگاه‌ها

شماره مزایده: ۱۳۹۶۰۴۳۰۹۰۵۲۰۰۰۰۰۶
تاریخ ثبت: ۱۳۹۶/۵/۲۴

متن آگهی مزایده

به موجب پرونده اجرائی کلاسه شماره ۹۵۰۰۰۲۶ بانک تجارت - شعبه قم علیه شرکت تعاونی وینا گستر پویه و علی کیمجانی با توجه به اینکه مدیون مبلغ ۲/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل طلب و مبلغ ۱۹۰/۲۲۵/۸۵۰ ریال بابت حقوق دولتی بدهکار می‌باشد، بستانکار در قبال طلب خود درخواست مزایده شدنانگ یکبابخانه به مساحت ۲۸۹ متر مربع تحت پلاک ۱۴۱۲ فرعی از ۱۲۵۵ فرعی از ۸ اصلی واقع درشال بخش ۶ قزوین که اسناد مالکیت آن ذیل ثبت شماره‌های ۲۰۸۷ و ۳۶۹۴ صفحات ۱۸۸ و ۲۳۵ دفاتر جلد ۱۱ و ۱۹ به شماره مسلسل‌های ۵۲۹۸۹۶ و ۷۴۶۲۵۰ با حدود و مشخصات اجمالی بشرح ذیل صادر گردیده را نموده است: شمالا بطول ۱۰/۵۰ متر دیواربست به حریم رودخانه شرقا بطول ۲۷/۳۰ متر دیواربست اشتراکی با خانه حمید خالقی به پلاک ۱۴۱۳ فرعی جنوبا بطول ۱۰/۳۰ متر پی دیواربست به خانه رضا خالقی به باقیمانده ۱۴۱۳ فرعی غربا بطول ۲۸/۵۰ متر در و دیواربست بکوچه ملک موصوف با در نظر گرفتن جمیع جهات و تحقیقات محلی توسط کارشناس رسمی دادگستری مبلغ ۱/۴۵۸/۵۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده و مزایده ملکی مدیون فوق در روز یکشنبه مورخه ۹۶/۷/۱۸ از ساعت ۹ الی ۱۲ در محل اداره ثبت اسناد و املاک شال برگزار و از مبلغ ارزیابی که قطعیت یافته شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی از سوی خریداران واگذار می‌گردد لازم به ذکر است پرداخت بدهی‌های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی‌های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد، وجوه پرداختی بابت هزینه‌های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم‌عشر و حق مزایده نقدا وصول می‌گردد لذا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. **تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۶/۲۰**

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی شال
داود طاهرخانی

آگهی مزایده عمومی نوبت اول

شماره نامه: ۹۶۱۰۱۱۶۱۳۶۲۰۰۰۶۹
شماره پرونده: ۹۱۰۹۹۸۶۱۳۶۱۰۱۰۶۹
شماره بایگانی شعبه: ۹۳۰۴۳۲

در راستای اجرای اجرائیه به شماره بایگانی ۹۳۰۴۳۲ محکومیت محکوم‌علیه ماشین‌سازی نور افشان به مدیریت آقای نورافشان به پرداخت مبلغ ۱۵۴۴۸۸۸۷۱۲ ریال در حق محکوم‌له شرکت تعاونی ماهی طلایی جایزان به مدیریت محمدرضا بهمنی و پرداخت مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت نظر به انقضای مهلت قانونی و عدم تادیه دین و در راستای اجرای حکم شماره فوق توقیف اموال محکوم علیه و نظریه کارشناسی ارزیابی، لذا ملک محکوم علیه بر اساس قیمت کارشناسی به شرح جدول ذیل از طریق مزایده عمومی نوبت اول وفق مقررات مندرج در قانون اجرای احکام مدنی با حضور نماینده دادستان محترم براساس ماده ۲۵ قانون اجرای احکام مدنی و به بالاترین قیمت پیشنهادی به فروش می‌رسند. بدیهی است برندگان مزایده ملزم به پرداخت ۱۰٪ بهای مال مورد نظر فی‌المجلس و الباقی را طی مهلت قانونی که مدیر اجرا تعیین می‌نماید باید پرداخت نمایند و زمان تحویل مال بعد از پرداخت کل ثمن می‌باشد. همچنین علاقمندان به شرکت در مزایده ۵ روز قبل از تاریخ مزایده مجاز به بازدید به آدرس تهران، تهرانپارس فلکه دوم نرسیده به خیابان حجربن عدی ابتدای خیابان فرجام شرقی پلاک ۱۶ طبقه سوم می‌باشند. ضمنا بدیهی است هزینه‌های جاری مزایده و حق‌الزحمه ارزیابی و حفظ اموال نیز از محل فروش اموال برداشت و تادیه می‌گردد.

اموال توقیفی مورد مزایده:

ملک به پلاک ثبتی ۸۸/۱۸۰۱۹ صفحه ۲۲۹ از دفتر ۳۷۹ بخش یازده ثبتی تهران و سه دانگ مشاع از شش دانگ و سند مالکیت سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان آپارتمان به شماره ۱۸۰۱۹ فرعی از ۸۸ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۱۴ فرعی از اصلی مذکور بخش ۱۱ حوزه ثبت تهرانپارس به مساحت ۱۱۰/۸۴ متر مربع واقع در طبقه سه که مقدار ۳/۷۴ مترمربع آن بالکن است به انضمام انباری قطعه شش تفکیکی به مساحت ۱۳/۵ مترمربع به قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمان‌ها و واحد مذکور دارای گواهی پایانکار می‌باشد و